

Posted in: مقاله، ترجمه

Tagged: فرزانه راجی, کوبن  
اندرسن, بهار عربی, تونس, شکری  
بلعید

Permalink

بیان دیدگاه



ششم فوریه، روز رسوایی /

ترور جیبناهی «شکری بلعید» تونس را به بزرگترین بحران خود پس از سرنگونی رژیم بن‌علی در 2011 سوق داد. شکری بلعید، از مشهورترین نمایندگان کارگری و رهبران چپ‌گرای کشور، صبح روز ششم فوریه هنگام ترک خانه‌ها توسط فعالین بنیادگرا مورد اصابت گلوله قرار گرفت. وی به خاطر دفاع از معدنچیان فسفات «قفصه» در مقابل سرکوب دولت، بعد از اعتصابشان در سال 2008 در رژیم سابق، شهرت یافته بود. بلعید یکی از اعضای برجسته‌ی چپ سکولار در دهه‌های گذشته بود. او همواره مارکسیست و یکی از رهبران «جیبهای ملی» بود که تابستان سال گذشته از گروه‌های بالقوه بزرگی از نیروهای چپ‌گرا و سکولار تاسیس شد. با توجه به اینکه بلعید سال‌های زیادی را در رژیم سابق در حبس بود، از تهدیدهای به مرگ که پیوسته از جانب بنیادگرایان دریافت می‌کرد ترسی نداشت. تهدیدهایی که با فتوای علنی برای ترور او، از جانب برخی از واعظان همراه می‌شد.

طی چند ساعت پس از مرگ بلعید جمعیتی از جوانان برای اعتراض در مرکز تونس، در مقابل وزارت کشور (پلیس) گرد آمدند و خواستار استعفای حکومت شدند. در میان زحمتکشان واکنش بیشتر مستقیم بود تا کلامی. تظاهرکنندگان در شهرهای کارگری همچون «قفصه»، «کاف» و «سیدی بوزید» دفاتر حزب حاکم «النهضة» را به آتش کشیدند. آخرین شهر جایی است که انقلاب 2011 از آن شروع شد، بعد از اینکه دستفروشی خیابانی به نام «محمد بوعزیزی» در اعتراض به خشونت پلیس و سرکوب اقتصادی، خود را در آتش سوزاند.

رهبری ارشد «النهضة» مدعی اعتدال، براساس مدارا و دموکراسی است، ولو اینکه این در تمامی جهات، چه از نظر اقتصادی و چه فرهنگی، جهت‌گیری‌های محافظه‌کارانه‌ای دارد. اما چپ‌گرایان و سکولارها آن‌ها را به خاطر حمایت تاکتیکی‌شان از حملات فیزیکی اسلام‌گرایان افراطی به خود، به دودوزجاری متهم می‌کنند. براساس آنچه رژیم ادعا دارد این حملات وحشیانه از طرف سلفی‌های افراطی خارج از حزب «النهضة» انجام می‌شود، اما چپ‌گراها و سکولارها با اشاره به اینکه هرگز عاملان این حملات دستگیر نمی‌شوند، اظهار می‌دارند که حداقل این است که «النهضة» احتمالاً از سلفی‌ها برای کار کثیف، یعنی تلاش برای به حاشیه راندن رقیبانش، استفاده می‌کند. (یک استثنا براین فضای مبتنی بر بخشودگی مرتکبین هنگام آشکار شدن رد پای سلفیست‌ها در حمله به سفارت آمریکا در سپتامبر روی داد، و علت آن خاطر فشار زیادی بود که از جانب واشنگتن به حکومت وارد شد.) بلعید و برخی دیگر از چپ‌گرایان از این فراتر رفتند و «انجمن‌های حامی انقلاب»، گروهی وابسته به «النهضة»، را که به واقع باعث تداوم بسیاری از حملات و تهدیدات به سکولارها و چپ‌گرایان شده است، متهم کردند.

به نظر می‌رسد «النهضة» نیز خود در واکنش به ترور بلعید، به دلیل فراخوان «حمادی جبالی»، نخست‌وزیر، مبنی بر استعفای تمامی وزرا و جایگزینی آنان با تکنوکرات‌های خنثی، تا کامل شدن و تصویب قانون اساسی جدید که هنوز در جریان است، دچار تفرقه شده است. به نظر می‌رسد که «جبالی» در «النهضة» در اقلیت قرار دارد، بنابراین بسیاری از رهبران این حزب پیشنهادهایش را رد کردند. اما با توجه به اینکه «النهضة» اکثریت کرسی‌ها را در مجلس ندارد و فقط بر ائتلافی در مجلس کنترل دارد، چشم‌انداز نامشخص است.



# تونس بر لبه تیغ / کوبن اندرسن / ترجمه فرزانه راجی

Posted by نقد اقتصاد سیاسی  
18/02/2013

اعتصاب یادشده فروگاه‌ها، مدارس، فروشگاه‌ها، اتوبوس‌ها، ترامواها و دفاتر دولتی را به تعطیلی کشاند. این اعتصاب بزرگترین تظاهرات کارگری بعد از تظاهرات ضد ریاست‌جمهوری احمد سبف 1978 بود و از اعتصاب عمومی دوساعته که توسط همین اتحادیه در انقلاب 2011 فراخوانده شده بود بسیار چشمگیرتر بود.

بیش از پنجاه هزار تن از مردم در خیابان‌های تونس برای برگزاری سوگواری «بلعید» سرما و باران را به جستجو ... ن، آب، اما النهضه نه» یا «غنوشی آدمکش»، اشاره به رشید غنوشی دبیرکل «النهضه»، و حتی «مردم انقلابی دیگر می‌خواهند»، بود.

جمعیت از صبح زود در محل اصلی راهپیمایی، خانه‌ی «جبل جلود»، همسایه‌ی تهیدستی که بلعید در خانه‌اش بزرگ شده بود، گرد آمدند. تشییع‌کنندگان جنازه در تمامی مسیر با اجرای سرودهای عزّا توسط زنان، که در شمار گزینش ماه ... کرده بودند، همراهی می‌شدند. (راهپیمایی در عین حال به شدت توسط ارتش، از طریق پرواز هلی‌کوپترها بر فراز سر جمعیت، حفاظت می‌شد. این برای فرماندهی ارتشی که همچون مصر چندان شیفته‌ی حکومت بنیادگرا نیست ژست کوچکی نبود. دست‌کم شکلی از فشار بر «النهضه» بود تا بخشی از کنترل خود را به نفع پیشنهاد قبالی برای حکومت تکنوکرات‌ها واگذارد.) جوانان محلات فقیرنشین اطراف در جریان مراسم نتوانستند خود را کنترل کنند و به طرف پلیس سنگ‌پرانی کردند که باعث شد پلیس به سوی تمامی جمعیت گاز اشک آور شلیک کند. اما جمعیت انبوه بدون تزلزل تا آخر مراسم در محل باقی ماند.

رفیق سیاسی بلعید، «حامه حمامی»، در خطابه‌ی سوگواری او يك شعار حزبی برای آینده صادر کرد: «تونس‌ها، متحد شوید. انقلاب ادامه دارد.»

گردهم‌آیی‌هایی کوچک‌تر، اما مهمی، در شهرهای دیگری همچون «قفصه» و «سیدی بوزید» نیز برگزار شد، این درحالی بود که صداها تن از راهپیمایان شعار می‌دادند: «شکری بخواب، مبارزات را ادامه می‌دهیم.»

روزبعد، اعضای «النهضه» و سلفی‌ها تظاهرات خود را با هدف قراردادن فرانسوی‌ها به عنوان نیروی حامی سکولاریست‌ها و چپگرایانی که روز قبل راهپیمایی کرده بودند، در تونس برگزار کردند. یکی از تظاهرکنندگان اظهار داشت: «ما اتحاد بین چپ، رژیم سابق و فرانسه را نمی‌پذیریم.» اما تظاهرات آنان فقط چند هزار تن از مردم را به خود جلب کرد.

#### افزایش تنش بین بنیادگرایان و چپ

دو سال بعد از انقلاب 2011 بحران‌های اقتصادی، با حدود 18 درصد بیکاری به نسبت نرخ 13 درصدی قبل از آن، و نرخ بیکاری بیشتر برای جوانان، عمیق‌تر شده است. تفرقه‌ی عمیقی بین رهبری بنیادگرا و طبقات زحمتکش و تهیدستان شهری ایجاد شده است. همانطور که «جان کول» محقق امریکایی خاورمیانه نوشت: «یکی از دلایلی که اتحادیه‌ی عمومی کارگران تونس فراخوان اعتصاب عمومی داد این بود که حزب مذهبی راست حاکم، «النهضه»، از هنگام انقلاب با بخش تجارت خصوصی تونس ائتلاف نیرومندی ایجاد کرده، با کارگران همدلی نشان نداده و گاه اعتصابات و تحرکات آنان را سرکوب کرده است.» (چرا بهار عرب تونس در آشفتگی است، یادداشت توضیحی اطلاعاتی، 9 فوریه 2013)

از زاویه‌ای مثبت، پیشرفت‌ها از زمانی که انقلاب آغاز شد، به ایجاد ارتباطی جدید بین مردم زحمتکش و روشنفکران انجامید که هردوی آنان مخالف برنامه‌ی بنیادگراها هستند.

در 18 اکتبر در «تطاوین» تظاهرکنندگانی که از «النهضه» حمایت می‌کردند به جلسه‌ای از حزب سکولار - لیبرال «ندای تونس» حمله کردند که نتیجه‌ی آن کتک زدن «لطفی ناقد» رهبر این حزب تا سرحد مرگ بود. بعد از آن برخی از نمایندگان «النهضه» خواستار آزادی دستگیرشدگان از جمله ارازلی شدند که به «ناقد» حمله کرده بودند. درحالی که راشد الغنوشی، دبیرکل «النهضه» انعطاف‌پذیری نسبی از خود نشان داد و حداقل در معرض عموم حالت دموکراتیکی گرفته بود، بسیاری با دیدن ویدئویی از ملاقات خصوصی وی با سلفی‌ها در ماه اکتبر، که به‌شکل حیرت‌آوری با سلفی‌ها همدلی نمایش می‌داد، آشفته شدند. رهبر قدیمی، متعصب و سابق «النهضه»، «صادق شورو»، به سهم خود با تندی خواستار مجازات فیزیکی سکولارهایی شد که با بنیادگرایان در شهر «تطاوین» درگیر شده بودند.

در ماه نوامبر در شهر «سلیانه»، شهری کشاورزی، جرقه‌ی اغتشاش به واسطه‌ی فقر زده شد و ناامیدی شهر را

یکی از مثال‌ها در روزهای اخیر در مورد خود «بلعید» است. در دوم فوریه گردهمایی را که در شهر «کاف» سازماندهی کرده بود بنیادگرایان به هم زدند، و او علناً آنان را متهم کرد که از اعضای «انجمن‌های وابسته به النهضه برای حفاظت از انقلاب» هستند. این آخرین نطق «بلعید» قبل از ترورش بود.



شکری بلعید: فرزند انقلابی تونس

سرنوشت شخصی «شکری بلعید» نمونه‌ای است از سرنوشت کل نسل انقلابیون تونس. در سال 1964 در خانه‌ی همسایه‌ی فقیرش، «جبل جلود» به دنیا آمد. در دهه‌ی 1980 به عنوان رهبر و سخنران دانشجویی با گرایش‌های مارکسیستی و پان‌عربیستی، جلب توجه کرد. در سال 1987 به مدت شش ماه به زندان افتاد. سال‌های متمادی عضو یک حزب زیرزمینی مارکسیست - لنینیستی یعنی «حزب کارگران کمونیست تونس» بود که تنها بعد از انقلاب سال 2011 قانونی اعلام شد. گروه بعد از آن دچار تحولات خیلی مهمی شد.

در طی انقلاب 2011 نیز «بلعید» به همراه رفیق سیاسی‌اش «حامه حمامی» که امروز شناخته‌شده‌ترین رهبر «جبهه ملی» است، در مرکز و محور همه چیز بود. «بلعید» به خاطر انتقاد از لیبرال‌دموکرات‌ها و همچنین بنیادگرایان دشمنان زیادی برای خود تراشید، اما در عین حال احترام عمومی زیادی به دلیل سخنوری و شجاعت خود بدست آورد. «بلعید» به عنوان یکی از مهمانان همیشگی برنامه‌های تلویزیونی در حمله به جناح ارتجاعی «النهضه» که آن‌ها را برای ایجاد جو خشونت و ارعاب علیه سکولارها و چپ‌ها سرزنش می‌کرد، کوتاه نمی‌آمد. این امر باعث شد که تهدیدهایی آشکار از واعظان نظامی بنیادگرا و تهدیدهای بسیاری در صفحات فیس‌بوک دریافت کند، همچنین تهدیدهای تلویحی از طرف وزیر کشور، «علی عریض»، یکی از اعضای «النهضه» که به طور علنی خشونت منتسب به «بلعید» را در شهر «سلیانه» محکوم کرد. همچنین ویدئوهایی که در آن‌ها بنیادگرایان خواستار کشتن «بلعید» بودند ماه‌ها دست به دست می‌گشت.

#### امید به آینده

مانند نمونه‌ی مصر در چندماه اخیر، در تونس نیز نه پیش از آن، شکاف بین نیروهای سکولار و چپ با بنیادگرایان در حال حاضر قطعی و غیرقابل برگشت است. بازهم مانند مصر، اخیراً در تونس نیز به نظر می‌رسد که این نیروهای سکولار و چپ هستند که دارند قدرت می‌گیرند، زیرا حضور بنیادگرایان در قدرت، از انقلاب 2011، باعث از بین بردن توهم بسیاری از حامیان آنان یا کسانی شد که حداقل آن‌ها را بهتر از رژیم سابق می‌دیدند یا فکر می‌کردند باید به آن‌ها فرصتی برای گرفتن قدرت دولتی داد. در عین حال در تونس نیروی کار و چپ سازمان‌یافته‌تر و بسیار قوی‌تر از مصر است، چنان‌که گرایش‌های سکولار در میان مردم به طور کلی بیشتر است. این امر ثابت می‌کند که تراژدی ترور «بلعید» سرانجام به سیاست‌هایی رهنمون خواهد شد که او زندگی‌اش را به خاطر آن‌ها فدا کرد. اگر واقعاً اینطور باشد آیا بازهم تونس همانطور که در سال 2011 انجام داد پیشاهنگ انقلاب عرب خواهد بود؟

13 فوریه 2013



